

۴جوان اهوازی در رودخانه کرخه به سرنوشت شومی دچار شدند. به گزارش ر کتا، بیرانوند، دادستان حمیدیه دراین باره گفت: چهار جوان اهوازی که عصر سه‌شنبه در رودخانه کرخه در محدوده روستای ظهیر آب حمیدیه در حال شنا بودند، غرق شدند. دادستان حمیدیه خاطر نشان کرد: دوتنر از این افراد نجات‌یافتند،ولی از سرنوشت دوتنر دیگر خبری در دست نیست‌و به احتمال زیاد غرق شده‌اند.



۴ جوان اهوازی در رودخانه کرخه غرق شدند

دستگیری ۱۰۵ سارق در طرح ارتقای امنیت اجتماعی مشهد

خودروی سرقتی، ۱۴ دستگاه موتورسیکلت سرقتی، ۱۵ دستگاه دوچرخه سرقتی و اقلام زیادی دیگری از اموال مسروقه کشف شد. فرمانده انتظامی مشهد از همکاری و حمایت خوب شهروندان شریف در شناسایی و پاک‌سازی نقاط آلوده تقدیر و تشکر کرد و از مردم خواست هر گونه مورد مشکوکی را با شماره ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند.
مشهد با جمعیت سه و نیم میلیون نفر و حدود ۳۰۰ هزار تبعه بیگانه ساکن و ورود سالانه ۲۵ میلیون زائر، ویژگی منحصر به فردی در کشور دارد و تامین امنیت آن کار بسیار سختی است و نیاز به حمایت مردم و مسئولان دارد. وی با تشکر از نیروی انتظامی و دستگاه قضایی شهرستان افزود: تعداد زیادی از این مجرمان، بی‌سواد، معتاد و بیکار هستند که نشان می‌دهد ریشه جرایم در این جاست و تعدادی نیز از اتباع بیگانه غیر مجاز هستند. البته متأسفیم که این تعداد سارق دستگیر شده‌اند. در این راستا، نیاز به اقدامات پیشگیرانه همه جانبه‌ای داریم و باید شرایط به گونه‌ای باشد که استفاده از نیروی انتظامی و دستگاه قضایی، آخرین راه حل باشد.



اعتراف عامل حمله وحشیانه در پایانه جنوب

اطلاعات غلط دادند و بلیتم را پس نگرفتند، با چاقوز دم!



دارد و سیر مراحل درمانی و مراقبتی از وی در بیمارستان در حال انجام است. سرهنگ کارآگاه حمید مکرم، در پایان این خبر افزود: با صدور قرار بازداشت موقت از سوی بازپرس محترم پرونده، متهم برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

کارآگاه حمید مکرم، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران با اعلام این خبر به مهر گفت : یکی از دو مجروح حادثه به صورت سرپایی تحت درمان قرار گرفته و از بیمارستان مرخص شده است و مجروح دوم که از ناحیه سینه هدف اصابت چاقو قرار گرفته ، همچنان تحت نظر تیم پزشکی قرار

اتوبوس با چند ساعت تأخیر حرکت خواهد کرد؛ زمانی که به متصدیان فروش بلیت مراجعه و درخواست بازپس گرفتن پولم را کردم، آن‌ها طفره رفتند و گفتند این کار امکان ندارد. اکبر ادامه داد: به خانه‌ام در خیابان پیروزی بازگشتم، بسیار عصبانی بودم. پس از گذشت چند ساعت به قصد انتقام گری، با برداشتن چاقو از خانه خارج شدم و به پایانه جنوب رفتم. ابتدا شخصی که مرا به تعاونی شماره ۱۳ راهنمایی کرده بود، با یک ضربه چاقو از ناحیه سینه مجروح کردم؛ سپس وارد تعاونی ۱۳ شدم و با شخصی که بلیت را به من فروخته بود، درگیر شدم و چاقویی به گردنش زدم که شنیدم پس از درگیری جان باخته است. وی گفت: در همین زمان یکی از دوستان و همکاران مقتول برای کمک به وی با من درگیر که او نیز از ناحیه دست مجروح شد. در حین فرار از داخل پایانه با مردم درگیر و در نهایت توسط مأموران دستگیر شدم. سرهنگ

به بیمارستان منتقل کردند. هنوز لحظاتی از دستگیری متهم پرونده نگذشته بود که از بیمارستان خبر رسید یکی از مجروحان این درگیری، علی ۴۰ ساله از کارمندان تعاونی ۱۳ به خاطر ضربه چاقو به ناحیه گردن در بیمارستان به کام مرگ رفته است.
همین کافی بود تایمی از مأموران به دستور بازپرس دشتیان از شعبه دهم دادسرای امور جنایی برای تحقیقات ویژه وارد عمل شوند. اکبر پس از دستگیری گفت: ساعت ۱۰ صبح سه شنبه ۷ شهریور ماه برای خرید بلیت اتوبوس به تعاونی شماره ۱۳ پایانه جنوب مراجعه کردم؛ شخصی که مقابل تعاونی ایستاده بود مرا برای خرید بلیت به داخل تعاونی شماره ۱۳ راهنمایی کرد. وی افزود: متصدی فروش بلیت مدعی شد اتوبوس تا دقایقی دیگر حرکت خواهد کرد و من نیز با این تصور اقدام به خرید بلیت اتوبوس کردم؛ اما اتوبوس حرکت نکرد و سراسر انجام اعلام شد

مرد جوانی که از رفتارهای کارمندان تعاونی ۱۳ پایانه جنوب خشمگین شده بود، پس از بازگشت به خانه با چاقو به آن جا بازگشت و سرنابروی خونین و مرگباری را رقم زد. به گزارش مهر، ساعت ۱۰:۱۶ سه شنبه ۷ شهریور ماه امسال، مأموران کلانتری ۲۰۸ در جریان درگیری خونینی در تعاونی شماره ۱۳ پایانه جنوب قرار گرفتند و خیلی زود تیمی از مأموران برای تحقیقات ابتدایی در محل حاضر شدند. مأموران با حضور در تعاونی ۱۳ پایانه جنوب پی بردند جوان ۳۲ ساله‌ای به نام اکبر با چاقو اقدام به مجروح کردن چند مسافرو کارمند پایانه جنوب کرده است و قصد فرار دارد که مأموران به سرعت دست به کار شدند و وی را دستگیر کردند. مأموران در همان لحظات ابتدایی پی بردند اکبر سه مرد را هدف ضربات چاقو قرار داده و وضعیت یک نفر از آن‌ها وخیم گزارش شده است. در این مرحله خیلی زود تیم‌های امدادی در محل حاضر شدند و مجروحان را

دادستان عمومی و انقلاب اردبیل، از صدور حکم پرونده قاتل «آنا اصلانی» خبر داد. سیدناصر عتباتی در گفت‌وگو با ایسنا با بیان این مطلب افزود: متهم این پرونده به دلیل تجاوز به عتف به اعدام، بابت یک فقره قتل عمد به قصاص نفس و به خاطر سرقه به حبس، شلاق و رد مال محکوم شده است. وی با بیان این که اجرای مجازات به صورت علنی انجام خواهد شد، گفت: پس از این که روند ابلاغ و رسیدگی به پرونده در دیوان عالی کشور انجام شود، اقدام لازم برای اجرا به عمل خواهد آمد. عتباتی یادآور شد: این حکم غیر قطعی است و باید در دیوان عالی کشور بررسی و تأیید شود. دادستان اردبیل با اعلام این که در متن رای صادره «اجرای حکم در ملأ عام» قید شده است، افزود: حکم قاتل آنا اصلانی در شعبه اول دادگاه کیفری یک اردبیل صادر شده است. بر اساس این گزارش، حجت الاسلام قاصدی رئیس کل دادگستری استان اردبیل، ۴ شهریور ماه در گفت و گو با ایسنا گفته بود جلسه رسیدگی به پرونده آنا در دادگاه کیفری یک استان اردبیل با حضور متهم و وکیل مدافع وی و اولیای دم و وکیل آن‌ها برگزار و آخرین دفاع از متهم دریافت شد. آنا اصلانی، دختری هفت‌ساله ساکن پارس آباد مغان در استان اردبیل بود که خبر گم شدن او اواخر خرداد منتشر و سه هفته بعد جسدش پیدا شد.

از میان خبرها

-
-
-

عاملان قتل بنینا ۲۰ شهریور محاکمه می شوند



عاملان قتل بنینا ۲۰ شهریور در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شوند. محمدی کشکولی قاضی پرونده بنینتا در دادگاه کیفری یک استان تهران در گفت‌وگو با تسنیم اعلام کرد: متهمان قتل بنینا روز دوشنبه ۲۰ شهریور علنی محاکمه خواهند شد. ۲۹ تیر ماه امسال خبر ر بوده شدن دختر بچه هشت ماهه‌ای در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و پس از شش روز با وجود تمام تلاش‌ها، جسد این دختر بچه در خودروی به سرقت رفته پدرش در پاکدشت رامین کشف شد. پلیس آگاهی تهران، ربابندگان خودرو و کودک هشت ماهه را دستگیر کرد و با حضور متهمان در مقابل منزل این کودک، صحنه جرم با حضور مأموران پلیس آگاهی بازسازی شد.

قاتل «آنا» به اعدام و قصاص نفس محکوم شد

در امتداد تاریکی

-
-
-

رفیق باز!

از وقتی قلیان کشی در قهوه خانه های زیرزمینی رونق گرفت، من هم به همراه دوستان کوچک‌تر از خودم به مصرف مشروبات الکلی در این مکان های مخفی ادامه دادم تا این که دست به سلاح بردم و با شلیک یک گلوله قاتل شدم. ... جوان ۲۶ ساله ای که به اتهام قتل عمویش وی را دستگیر کرده‌اند، پس از آن که به سوالات قضایی و تخصصی قاضی کاظم میرزایی پاسخ داد، در حاشیه اولین جلسه بازپرسی، «مشروب» را عامل همه بدبختی هایش دانست و گفت: از زمان های قدیم، اجدادم در حاشیه مشهد که اکنون به شهر تبدیل شده است، مشغول کشاورزی بودند. پدر من نیز در همین منطقه کشاورزی می‌کرد و من سه برادر دیگرم هم در امور کشاورزی به او کمک می‌کردیم تا کلاس سوم ابتدایی درس خواندم ولی علاقه‌ای به تحصیل نداشتم، به همین دلیل ترک تحصیل کردم چرا که همه می‌گفتند در س خواندن هیچ سودی برای آینده ات ندارد.
بیشتر اوقاتم را با دوستانم می‌گذراندم تا این که در سن ۱۴ سالگی برای اولین بار طعم مشروبات الکلی را چشیدم. آن روز دوستانم را مصرف کردیم. از آن روز به بعد مدام همین کار را تکرار کردم تا این که پدرم منوچه موضوع شد و با سر و صدا مرا سرنش کرد ولی من توجهی به نصیحت های پدرم نکردم و سرنوشتم راه بازی گرفتم. وقتی عازم خدمت سربازی شدم، همواره اضافه خدمت می‌خوردم، عاشق تیراندازی بودم و دوست داشتم با سربازان آموزشی به میدان تیر بروم.
خلاصه بعد از پایان خدمت من دوستانم باز گشتم و به قلیان کشی در قهوه خانه ها و مشروب خوری ادامه دادم تا این که پلیس، قهوه خانه ها را پلمپ کرد اما متصدیان این قهوه خانه ها به فروش زیرزمینی قلیان روی آوردند. قهوه خانه ای که من و دوستانم از مشتریان بودیم منزلی را در انتهای خیابان حر ۹۰ اجاره کرده بودو با تماس تلفنی در حیاط را می‌گشود و ما در آن مکان، مخفیانه به عرق خوری و قلیان کشی می‌پرداختیم. من هم که جز کارگری حرفه دیگری بلد نبودم، بیشتر روزها را بیکار بودم و اوقاتم را با دوستان ناباب می‌گذراندم. پدرم همواره مرا دعوا می‌کرد که از رفت و آمد با آن ها خودداری کنم. مدتی قبل به خاطر عرق خوری و نزاع با یکی از دوستانم قهر کردم، پس از آن هم برای دیدن یکی از هم خدمتی هایم به تهران رفتم. وقتی چند روز بعد به مشهد باز گشتم همان دوستم که رضانام دار در ایه قهوه خانه زیرزمینی دعوت کرد. زمانی که مشغول قلیان کشی بودیم، عرق سگی را هم به من تعارف کرد ولی هنگام نوشیدن مشروب به من ناسزا گفت که من هم عصبانی شدم و او را به شدت تک‌زد اما آرام‌نگرفتم و بارداشتن اسلحه کلت، قصد کشتن او را داشتم که در تارکیکی شب به سوی عمویم شلیک کردم و ... اما باز هم می‌گویم مشروب زندگی مرا تابه کرد و سرنوشتم را به بدبختی گره زد.
ماجرای واقعی بر اساس پرونده قضایی